

تحلیل و نقد کتاب کارکرد گفتمانی سکوت در ادبیات معاصر فارسی

محمد راغب*

چکیده

کارکرد گفتمانی سکوت در ادبیات معاصر فارسی (انتشارات نقش جهان: ۱۳۹۲) اثر لیلیا صادقی به بررسی «سکوت» از منظری زبان‌شناختی می‌پردازد و رویکردها و دیدگاه‌های تازه‌ای را از افرادی چون دنیس کورزون، توماس برونو، توماس هاکین، ژاک دریدا، سوزان سانتاگا، میشل افرات و دیگران بررسی می‌کند و آنها را در پیکره‌ای متنوع از ادبیات داستانی معاصر می‌آزماید. در این مقاله، برخی کاستیهای کتاب از منظر صوری و محتوایی بررسی شده است؛ بیش از همه، به چگونگی استفاده صادقی از منابع غربی توجه شده و کاربرد این دیدگاهها در متون منتخب داستانی فارسی نیز مورد نقد و داوری قرار گرفته است. در بخش نظری کتاب، مشکلاتی نظیر ترجمه به جای تألیف، منبع‌سازی و بی‌توجهی به پیشینه مطالعه سکوت در ایران دیده می‌شود و در بخش کاربردی، مشکلاتی همچون مسائل روش‌شناختی و استفاده از شواهد و مثالهای نادرست و نارسا و انتخاب غیر منطقی و اتفاقی پیکره تحلیلی به چشم می‌خورد. **کلیدواژه‌ها:** سکوت، ادبیات داستانی، دنیس کورزون، میشل افرات، توماس برونو

۱. مقدمه

برای پرهیز از زیاده‌گویی، پیش از هر سخنی به سراغ معرفی نویسنده و کتابش می‌رویم:

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی raqebmohamad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۸

۱-۱. معرفی نویسنده

لیلا صادقی (متولد تهران ۱۳۵۶) کتاب کارکردگفتمانی سکوت در ادبیات معاصر فارسی (۱۳۹۲) را در ۱۱۰۰ نسخه به وسیله انتشارات نقش جهان تهران منتشر کرده است. او که در رشته‌های ادبیات فارسی (کارشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی)، مترجمی انگلیسی (کارشناسی، دانشگاه آزاد) و زبانشناسی (کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی و دکتری تخصصی، دانشگاه تهران) درس خوانده - افزون بر تعدادی مقاله - آثاری در حوزه‌های متنوع ادبی زبانشناختی نیز چاپ کرده است:

ضمیمه چهارم شخص مفرد (داستان)، نشر هامون، ۱۳۷۹.

وقتم کن که بگذرم (داستان)، نشر نیلوفر، ۱۳۸۱.

آگه اون لیلا ست، پس من کی ام؟! (داستان)، نشر آوامسرا، ۱۳۸۱.

وهم بزرگ: من زیر نظرم! (برگردان)، مارک استانی بوبین، نشر آوامسرا، ۱۳۸۱.

داستان‌هایی برعکس (ابرممان)، نشر نگاه، ۱۳۸۸.

از غلط‌های نحوی معذورم (شعر-داستان)، نشر ثالث، ۱۳۹۰.

گریز از مرکز (شعر-داستان)، نشر مروارید، ۱۳۹۲.

پریدن به روایت رنگ (رمان)، نشر خوارزمی (نقش جهان)، ۱۳۹۳.

در جستجوی نشانه‌ها: نشانه‌شناسی، ادبیات، و اسازری (برگردان به همراه تینا

امراللهی)، جانانان کالر، نشر علم، ۱۳۸۸.

استعاره و مجاز با رویکرد شناختی، (برگردان مجموعه مقالات به همراه فرزانه

سجودی و تینا امراللهی)، نشر نقش جهان، ۱۳۹۰.

نشانه‌شناسی و نقد ادبیات داستانی معاصر: بررسی و نقد آثار ابراهیم گلستان و

جلال آل احمد (به کوشش)، نشر سخن، ۱۳۹۲.

نشانه‌شناسی و نقد ادبیات داستانی معاصر: بررسی و نقد آثار صادق چوبک و

سیمین دانشور (به کوشش)، نشر سخن، ۱۳۹۲.

درآمدی بر شعرشناسی شناختی (برگردان)، پیترا استاکول، نشر مروارید، ۱۳۹۳.

(صادقی، بش)

۲-۱. معرفی کتاب

کارکردگفتمانی سکوت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۱۳۸۸) نویسنده در دانشگاه

علامه طباطبایی به راهنمایی دکتر فرزانه سجودی و مشاوره دکتر گلناز مدرسی قوامی

بوده و نامزد دریافت جایزه جلال آل احمد و جایزه کتاب سال در بخش نقد ادبی شده است. این کتاب - جدا از «سپاس و قدردانی»، «پیش‌گفتار»، فهرستها (مطالب و منابع) و «پیوستها» (واژه‌نامه، نمایه اشخاص و اصطلاحات) - هفت فصل دارد:

در فصل اول (پیشینه مطالعات) صادقی بر پیشینه پژوهش درباره سکوت در ایران و به ویژه غرب متمرکز شده است.

در فصل دوم (دیدگاههای مختلف درباره سکوت) رویکردهای دنیس کورزون، توماس برونو، توماس هاکین، ژاک دریدا، سوزان سانتاگ و میشل افرات مطرح می‌شود. در فصل سوم (گفتمان سکوت) به تمایز گفتمان سکوت (Discourse of Silence) و گفتمان درباره سکوت (The Discourse of Silence) پرداخته می‌شود. سپس رابطه سکوت و گفتار در بستر دیدگاههای پژوهشگرانی چون ژولین آلژیرداس گرمس و توماس کورزون تحلیل می‌شود.

در فصل چهارم (سکوت گفتمانی) سکوت در سه محور جانشینی (سکوت ساختاری حذف و سکوت معنایی استعاره)، همنشینی (سکوت ساختاری ارجاع پس‌رو (پس‌مرجع) و سکوت معنایی مجاز) و برهم‌کنش (سکوت کاربردشناختی پیش‌انگاشتی (سکوت پیش‌انگاشتی معنایی / منطقی (وجودی، واقعیت‌پذیر، واقعیت‌ناپذیر، خلاف واقع، بند زمانی پیرو، قیدی، کمیت‌نمایی، تغییر حالت، ساختاری، محدودیت‌گزینشی)، سکوت پیش‌انگاشتی بافتی / کاربردی و سکوت پیش‌انگاشتی غیر زبانی) و سکوت کاربردشناختی دلالت ضمنی (دلالت ضمنی قراردادی (تضمن عام) و دلالت ضمنی غیر قراردادی (تضمن خاص) با ارائه مثالهایی توضیح داده می‌شود.

در فصل پنجم (کارکرد سکوت گفتمانی) به کارکرد گفتمانی انواع سکوت در داستان و اجزاء آن (پیرنگ، گره‌افکنی، تعلیق، گره‌گشایی، زمینه، فضا و عنوان داستان) توجه می‌شود.

در فصل ششم (سکوت گفتمانی به عنوان ابزاری تحلیلی در داستان) سکوت در داستانهای کوتاهی از هوشنگ گلشیری («نمازخانه کوچک من»، بهرام صادقی («خواب خون»، ابراهیم گلستان («به دزدی رفته‌ها»)، گلی ترقی («درخت گلابی») و زویا پیرزاد («قصه خرگوش و دمی گوجه‌فرنگی») پیکربندی می‌شود.

در فصل هفتم (خلاصه و نتیجه‌گیری) پس از توضیح مختصری درباره کارکردهای سکوت، جمع‌بندی کوتاهی ارائه می‌شود.

۲. نقد کتاب

با آنکه نمی‌توان تازگی بسیاری از مطالبی را که در کارکردگفتمانی سکوت برای اولین بار در حوزه زبان و ادبیات فارسی طرح شده‌اند، نادیده گرفت، کتاب دارای مشکلات و نواقصی است که به ترتیب و اختصار بدانها خواهیم پرداخت:

۲-۱. مسائل صوری

مهمترین ضعف در این زمینه به ناشر یعنی انتشارات نقش جهان برمی‌گردد که در صفحه‌بندی و کتاب‌آرایی نهایت بی‌سلیقگی و بی‌دقتی را به کار برده است. فارغ از اغلاط تایپی و اندازه قلم، صفحه‌بندی فهرست گواه‌گفتار ماست. حتی نام کتاب در روی جلد (کارکردگفتمانی سکوت در ادبیات معاصر فارسی) و شناسنامه (کارکردگفتمانی سکوت در داستان کوتاه ایرانی معاصر) متفاوت است.

کم‌دقتی نویسنده، ویراستار و بالتبع ناشر در موارد زیر نیز هویدا است: در صفحه ۱۲۵ نویسنده از پنج نوع سکوت مورد نظر هاکین یاد می‌کند اما تنها دو نوع را نام می‌برد و بقیه را فراموش می‌کند.

در صفحه ۱۲۷ نویسنده می‌گوید سکوت دال در سه سطح قابل بررسی است و آنها را نام می‌برد اما تنها دو نوع اول را شرح می‌دهد و سطح سوم (کاربردشناختی) را فراموش می‌کند. تنها در صفحات ۱۵۶-۱۶۰ اشاره‌ای به انواع آن دارد بدون آنکه تفاوتش را با دو گونه دیگر توضیح دهد.

در صفحه ۱۶۵ نویسنده از دو نوع کارکرد سکوت سخن می‌گوید اما نوع سوم را نیز برمی‌شمارد.

نویسنده همان مطالب صفحات ۹۰-۹۱ را بعینه در صفحات ۹۶-۹۷ تکرار می‌کند. افزون بر این، در زیر فهرستی مختصر از برخی اغلاط تایپی و ... عرضه می‌شود که گاه بعضی بیش از اشتباهات مطبعی ساده هستند (برخی موارد مهمتر با ستاره (*) مشخص شده‌اند):

صفحه دوم سپاس و قدردانی: بوده

ص ۲۳، ۲۶ و ۴۵: گلدمن - ارسلر (Goldman-Ersler) در تمامی موارد به صورت

گلدمن - ایسلر و همراه با املاي غلط (Goldman-Eisler) در پاورقی آمده است.

ص ۲۷: کارل فریدناپ که باید به صورت کارل فرید ناپ (Karlfried Knapp)

نوشته شود.

ص ۳۷: معادل درون‌مایه‌ای در پاورقی Conversation آمده است.
ص ۴۱ بند آخر (برونو، ۱۹۷۳؛ کورزون، ۲۰۰۷-الف: ۱): افزون بر اینکه مطالب برونو بعینه از کورزون برداشت شده است، شماره صفحه کورزون نیز اشتباه است و باید ۱۶۷۳ باشد.

ص ۴۲ (کورزون، ۱۹۹۸: ۲۰): مباحث مورد اشاره در صفحه ۱۹ آمده‌اند.
* ص ۵۴ عنوان ۲-۵-۳-۱- سکوت کنشی: عنوان این بخش در مرجعی که کل این قسمت از آن برداشت شده، سکوت کارگفتی است (Huckin (2002), 348).
ص ۵۵ ساویل ترویکه: در صفحات فراوان (نک: نمایه کتاب) به صورت ساویه^۱ ترویک (Saville- Troike) آمده است.

صص ۵۵ و ۱۴۳: بدون هیچ دلیلی برای presupposition از دو معادل پیش‌انگاره‌ای و پیش‌انگاشتی استفاده شده است که اگرچه فرق چندانی ندارند اما بهتر بود یکی از این دو انتخاب می‌شد.

* ص ۵۸: با توجه به بافت متن، بهتر بود سکوت ماهرانه (manipulative) به سکوت منفعت‌جویانه، بهره‌بردارانه، فریب‌کارانه و ... ترجمه شود. تعریف نویسنده چنین است: «به سکوتی گفته می‌شود که به صورت عمدی اطلاعاتی را از خواننده یا شنونده به نفع نویسنده یا گوینده پنهان کند ...»

ص ۷۹: نام یاکوبسن (Jakobson) و سوسور (Saussure) به غلط Jakobso و Saussaur نوشته شده است.

* ص ۸۹: کلمه مبادرت در اینجا^۲ به معنای ممانعت / امتناع به کار رفته است: «در هر صورت او از آوردن زن دیگری مبادرت می‌کند و به همان کلفت خانه اکتفا کرده و او را به دو تبدیل می‌کند.»

* ص ۱۰۰: مثال «معلم تاریخ تبتی» به اشتباه به صورت «معلم تاریخ تبتی» نوشته شده که بدون هیچ اشاره و ارجاعی از مقاله افرات (1927, 2008) برداشته شده است.

ص ۱۰۶ سطر سوم (کورزون، ۱۹۹۸: ۲): مباحث مورد اشاره در صفحه ۱ آمده‌اند.
ص ۱۴۰ لکاف: در صفحات فراوان (نک: نمایه کتاب) به صورت صحیح آن یعنی لیکاف آمده است.

ص ۱۴۵، عنوان ۴-۱-۱-۱-۱: کلمه «سکوت» بر خلاف آنچه در فهرست آمده، حذف شده است.

* ص ۱۵۱، دو جمله انگلیسی: هر دو غلط نوشته شده‌اند و صورت درستشان چنین است:

Sam realizes that Irv is a Martian. / Irv is pretending that he is sick. (Lakoff (دبیرمقدم (۱۳۹۰)، ۲۹۱، ۱۷۵-۱۷۶; (1970), 175-176)

ص ۱۵۴، سرپربر: در همین صفحه نام صحیح آن (اسپربر) نیز وجود دارد.

ص ۱۶۹: «خواننده نسب به شخصیت‌های داستان شناخت و آگاهی کسب می‌کند.»

ص ۱۷۳: شماره ۴-۴ باید به ۵-۴ تبدیل شود.

* ص ۲۳۰، ۶-۳- به دزدی رفته‌ها: در زیر آن هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که نشان

دهد به کدام دسته از سکوت تعلق دارد.

ص ۳۵۱ تری، ایگلتون: که باید در بخش منابع به صورت برعکس نوشته شود.

* ص ۳۵۳: درباره یکی از آثار توماس برونو از اصطلاح (In-Press, 2009) استفاده

شده در حالی که این کتاب در سال ۲۰۰۹ چاپ شده و در دسترس است.

ص ۳۵۳: theory صورت صحیح آن theory است.

ص ۳۵۶ (1997) Kurzon و موارد بسیار: سال چاپ کتاب ۱۹۹۸ است.

ص ۳۵۶: Malosoff نام صحیح و کامل او William Marias Malisoff است.

ص ۳۶۵: presupposition صورت صحیح آن presupposition است.

و ...

۲-۲. پیشینه پژوهش

افزون بر بحث امانت و ارجاع، صادقی «پیشینه مطالعات» را بدون دیدن برخی از منابع نوشته و در این بخش مختصر (۵/۵ صفحه) مطالبی را بعینه و گاه بدون ارجاع از منابع خود آورده است:

کل صفحه ۲۱ (آغاز «۱-۱- مقدمه»)- تنها با دو ارجاع در میانه- از مقاله کریگر (207, 2001) نقل شده است.

از ابتدای بخش «۱-۲- پیشینه مطالعه سکوت در غرب» در آغاز صفحه ۲۳ تا پایان سطر سوم صفحه ۲۴- تنها با یک ارجاع در میانه- از مقاله افرات (1910, 2008) برداشت شده است.

بند دوم صفحه ۲۷ که بحث مختصری است درباره دیدگاههای دائن‌هاور و روتمان- تنها با ارجاعی در ابتدای بند پیشین- از کتاب کورزون (22, 1998)) گرفته شده است.

۲-۳. دیدگاه‌های نظری

در پیکربندی کتاب فصلهای ۱ تا ۵ (صفحات ۲۱-۱۷۴)، بخش نظری و فصلهای ۶ و ۷ (صفحات ۱۷۵-۳۴۹)، بخش کاربردی را تشکیل می‌دهند که با توجه به درج کامل داستانها همراه با نشانه‌گذاری و گفتاری کوتاه در میان سطرهای داستان در فصل ۶ (صفحات ۱۷۵-۳۳۵) درمی‌یابیم بخش نظری، حجم و در نتیجه اهمیت بیشتری دارد. از نظر ما نیز بخش نظری به دلیل تازگی و جذابیت مباحث، بر بخش کاربردی ترجیح آشکاری دارد. اما بخش نظری تنها مبتنی بر چند اثر محدود از کورزون، برونو، هاکین، افرات و ... است. بدین ترتیب شاید بهتر بود نویسنده- که پیشتر سه مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود منتشر کرده (صادقی (۱۳۸۷)؛ الف (۱۳۸۹)؛ ب (۱۳۸۹)) و عمده مطالب آنها را در همین کتاب کارکرد گفتمانی سکوت آورده است- به جای تألیف کتاب، مقالات انگلیسی افراد فوق‌الذکر را ترجمه و در کتابی صد یا صد و پنجاه صفحه‌ای عرضه می‌کرد. شایان ذکر است که اکثریت قریب به اتفاق منابع اصلی صادقی در باب سکوت، مقاله است جز یکی از آثار کورزون (1998) که در آن هم، ارجاعات از صفحه ۲۳ جلوتر نمی‌رود. در بخشی از همین مقالات اصلی نیز نویسنده تنها بخشهای مقدماتی را بدون توجه به نمونه تحلیلی عملی آنها استفاده کرده است. برای نمونه، تحلیل کورزون (1998) از سفر خروج در تورات مطالب مهمی دارد که صادقی به آنها توجه نکرده است. نویسنده تنها با درج منابع مآخذش، اعتباری ظاهری به کتاب داده است که از نظر اصول علمی و مرجع‌شناختی صحیح نیست اگرچه که نمی‌توان کار او را در همه موارد مصداق سرقات ادبی دانست. برای نمونه به بعضی از این موارد اشاره می‌شود:

۲-۳-۱. ترجمه به جای تألیف

افزون بر آنچه در بخش پیشینه پژوهش گفتیم و در قسمت مشکلات مآخذ و منبع- سازی خواهیم گفت، موارد زیر نیز قابل تأمل اند:

از آغاز «۲-۲- سکوت ارتباطی» (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۳) تا ابتدای «۲-۵-۲-۱- سکوت زبان-روانشناختی» (همان، ۴۲) به غیر از مواردی معدود (سه سطر از هاکین، ۲۰۰۲: ۳۵۱ در پایین صفحه (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۸)) بقیه مطالب از آثار دنیس کورزون ترجمه شده است ((1685 & 1676-1682 & 1673 (2007), 19-20 & 23; (1998), 1687). البته در صفحات ۳۶-۴۱ دیدگاه خود کورزون توضیح داده شده است. از نیمه دوم بند آخر صفحه ۱۰۴ تا پایان صفحه ۱۰۶ ترجمه‌ای است از اثر کورزون (1-3, (1998)) همراه چند ارجاع پراکنده بدان.

فصل سوم (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۰۳-۱۲۲) به طور کلی بر مبنای کتاب کورزون (23 & 17-18 & 6-13 & 1-3, (1998)) نوشته شده است. بهتر بود صادقی به جای آنکه فصلی کامل را- بدون اشاره به اینکه تمام مطالب آن مأخوذ از کورزون است- به دیدگاه‌های او اختصاص دهد، در فصل دوم و ذیل «۲-۵-۱- دیدگاه دنیس کورزون» همین مطالب منقول از آثار مختلف او را به صورت مختصر و به ترتیب سالیان چاپ عرضه می‌کرد. زیرا در فصل سوم نویسنده جز در موارد معدودی نظیر شکل ۳-۶، نسبت به یافته‌های کورزون چندان سخن تازه‌ای ارائه نداده است. در واقع صادقی بدین صورت تقسیم کار کرده است که غالباً مطالب مندرج در مقاله کورزون را در بخش ۲-۵-۱ و نکات مطرح در کتاب کورزون را در فصل سوم درج کند. بخشی از مشکل کتاب که به مآخذ محدود اما مکرر نویسنده بی‌ارتباط نیست، عدم ساماندهی و پیکربندی مطالب برگرفته از منابع است.

۲-۳-۲. مشکلات مآخذ و منبع‌سازی

صادقی در موارد فراوان از منابعی یاد می‌کند که به احتمال بسیار هرگز آنها را ندیده و از روی مآخذ دیگری بدانها ارجاع داده است. در همه این موارد کل مطالب ارجاعی منحصر به همانهاست که در کتب واسطه وجود دارد. اگرچه نویسنده کتاب در برخی موارد امانت را به صورت کلی رعایت کرده و در انتهای بخش منتخب به متنی که مطالب را از آن برداشته، اشاره کرده است اما درج همه این منابع عاریه، بدون رؤیت اصل در انتهای کتاب و بخش منابع- نه کتاب‌شناسی- اعتباری بی‌پایه برای کتاب فراهم می‌آورد. خوشبختانه یا بدبختانه ما به همه منابع نویسنده به ویژه آثار توماس برونو دسترسی نداشتیم و گرنه فهرست این منابع نادیده طولانی‌تر می‌شد:

الف) منابعی که از روی مطالب سایر مآخذ نوشته شده‌اند اما در متن و منابع پایانی کتاب به آنها ارجاع شده است (علامت ستاره (*)) نشان می‌دهد که نویسنده مطالب را حتی بدون ارجاع به متن واسطه آورده است. همچنین در سایر موارد بی‌ستاره که به ظاهر ارجاعی به منبع اصلی وجود دارد، ممکن است گاهی فاصله ارجاع با بخش عاریتی افزون بر چند بند باشد.:

منبع واسطه ^۶	منبع اصلی ^۵	
Kurzon (1998), 12-13	ادگار ^۷ (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۱۸)	۱
Schwalm ^۹ (1998), 128	بارنز ^۸ (صادقی (۱۳۹۲)، ۷۳)	۲
Kurzon (2007), 1677	برگر ^{۱۰} (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۵-۳۶)	۳
Efratt (2008), 1913 & 1923	بوهلر ^{۱۱} (صادقی (۱۳۹۲)، ۷۹ و ۸۲) *	۴
Efratt (2008), 1914	تیرسما ^{۱۲} (صادقی (۱۳۹۲)، ۸۲) *	۵
Efratt (2008), 1911	پایاتو ^{۱۳} (صادقی (۱۳۹۲)، ۲۴) *	۶
Efratt (2008), 1910	پینکر ^{۱۴} (صادقی (۱۳۹۲)، ۲۳-۲۴) *	۷
Kurzon (1998), 22	دائن‌هاور ^{۱۵} (صادقی (۱۳۹۲)، ۲۷) * ^{۱۶}	۸
Kurzon (1998), 22	روتمان ^{۱۷} (صادقی (۱۳۹۲)، ۲۷) *	۹
Efratt (2008), 1919	ساکز ^{۱۸} (صادقی (۱۳۹۲)، ۹۳) *	۱۰
Krieger (2001), 207 ^{۲۰}	سامارین ^{۱۹} (صادقی (۱۳۹۲)، ۲۱)	۱۱
Efratt (2008), 1926	سبکویاک ^{۲۱} (صادقی (۱۳۹۲)، ۹۹) *	۱۲
Efratt (2008), 1921	سرل ^{۲۲} (صادقی (۱۳۹۲)، ۹۵) *	۱۳
Efratt (2008), 1919	شیفرین ^{۲۳} (صادقی (۱۳۹۲)، ۹۳) *	۱۴
Krieger (2001), 207	کلیفتون ^{۲۴} (صادقی (۱۳۹۲)، ۲۱)	۱۵
Kurzon (1998), 8 & 12 & 131	کیچ ^{۲۵} (صادقی (۱۳۹۲)، ۴۱ و ۱۱۳ ^{۲۶} و ۱۱۷-۱۱۸) *	۱۶
Kurzon (1998), 19	گورویچ ^{۲۷} (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۳)	۱۷
Brown and Yule ^{۲۹} (1983), 29	گیون ^{۲۸} (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۴۴) *	۱۸
Kurzon (1998), 20	ورشرن ^{۳۰} (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۳-۳۴)	۱۹
Huackin (2002), 352	ون‌دایک ^{۳۱} (صادقی (۱۳۹۲)، ۵۸)	۲۰
Efratt (2008), 1927	ویزمن ^{۳۲} (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۰۰) *	۲۱
Glenn (2004), 2-3	همینگوی ^{۳۳} (صادقی (۱۳۹۲)، ۶۷)	۲۲

ب) نام برخی منابع مندرج در متن، در بخش منابع کتاب نیامده‌اند اما عمدتاً از منبعی که در کنار آنها نوشته شده برداشت شده‌اند. برای نمونه اندکی از این موارد در زیر گزارش شده‌اند:

منبع موجود در متن کتاب و ناموجود در منابع پایانی	مرجع اخذ منبع
۱ اسکولون (۱۹۸۵) (صادقی (۱۳۹۲)، ۵۴)	huckin (2002), 348
۲ پله‌گرینو و دیگران (۱۹۹۱) (صادقی (۱۳۹۲)، ۵۶)	Huckin (2002), 350
۳ دینگیرار ^{۳۴} (۱۹۷۹) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۱۱)	Kurzon (1998), 7
۴ شارف، ۱۹۹۶ (صادقی (۱۳۹۲)، ۷۸)	Efratt (2008), 191
۵ مالاندرو و دیگران (۱۹۸۹) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۲۰)	Kurzon (1998), 18
۶ هاکسلی (۱۹۴۶) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۷۱)	Huckin (2002), 347
۷ هال (۱۹۸۵) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۰۴)	Huckin (2002), 348
۸ یاکوبسن (۱۹۳۹: ۲۱۱ و ۲۱۵ و ۲۱۷) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۱۱-۱۱۲)	Kurzon (1998), 6

پ) برخی منابع درون متن با سال چاپ مختلفی در بخش منابع آمده‌اند و خواننده را به تردید و اشتباه می‌اندازند:

جاورسکی (۱۹۹۳) (صادقی (۱۳۹۲)، ۲۶)
 سانتاگ (۱۹۹۱) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۶۳)
 کینان (۱۹۷۱/۱۹۸۴/۱۹۹۸/۲۰۰۳) (صادقی (۱۳۹۲)، ۸۳، ۸۷، ۱۴۵ و ۱۵۵)
 لیکاف (۱۹۸۷) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۰۹)
 و ...

ت) در برخی موارد نظیر رادن (K.Feyaerts) و فیارتز (G. Rudden) از مجموعه مقالات بارسلونا (A. Barcelona) استفاده شده اما خود بارسلونا بدون هیچ ارجاعی در متن کتاب، در منابع پایانی هم آمده است.

ث) صادقی با وجود استفاده کلی از منابع با اهمیت، در برخی موارد از منابع ضعیفی استفاده کرده است. برای نمونه در آنجا که به یکی از مهمترین بخشهای کتابش (۱۶۷-۱۷۰) در زمینه عناصر داستان می‌پردازد، سراغ منابع ابتدایی و ساده‌ای همچون آثار جمال میرصادقی و منابع کهنه‌ای همچون کتاب رضا براهنی^{۳۵} می‌رود. این مسئله بر

کیفیت کار او در بخش کاربردی کتاب تأثیر عمیقی گذاشته است. استفاده از دو منبع زیر نیز جای تأمل دارد:

Massey,³⁶ Kathryn Rebecca (2003), *Shattering the Empty Vessel: Absence and Language in Addie's Chapter of Faulkner's As I Lay Dying*, A thesis for the Degree of Master of English, Faculty of North Carolina State University.

Glenn, Kathleen M. (2004), "Discourse of Silence in Alcanfor and "Te deix, amor, la mar com a penyora"", Working Paper OP-6.

همچنین در زمینه «پیشینه مطالعه سکوت در ایران» شایسته بود با وجود تفاوت رویکردها به بعضی مقالات بهروز شیدا و کتاب *گفتمان سکوت* (۱۳۷۹) شاهرخ تندرو صالح^{۳۷} نیز اشاره‌ای می‌شد.

۲-۴. مباحث کاربردی

۲-۴-۱. کلیات و مشکلات روش‌شناختی

همانطور که پیشتر اشاره کردیم در بخش کاربردی مشکلات و نقایص فراوانی دیده می‌شود. مشکل اصلی کتاب از همان جامعیت عنوان کتاب آغاز می‌شود که نویسنده با بررسی پنج داستان کوتاه از هوشنگ گلشیری («نمازخانه کوچک من»)، بهرام صادقی («خواب خون»)، ابراهیم گلستان («به دزدی رفته‌ها»)، گلی ترقی («درخت گلابی») و زویا پیرزاد («قصه خرگوش و دمی گوجه‌فرنگی») ادعای تحلیل گفتمان سکوت را در کل ادبیات معاصر فارسی دارد، در حالی که کار او تحلیل ادبیات داستانی، داستان کوتاه و حتی مجموعه داستانهای یکی از این نویسندگان هم نیست بلکه تنها بررسی تک-داستانهای منفردی است که درباره ارتباط آنها و چرایی انتخابشان نیز بحثی نکرده است. در واقع، نویسنده هر یک از داستانها را به قطعات بسیار جزئی تقسیم کرده و نوع سکوت مندرج در هر یک را گاه با اندکی توضیح نام برده است. در اینجا صادقی تنها شمارشگری ساده است بی‌آنکه حرف تازه‌ای بزند. او در فصل چهارم درباره سکوت دسته‌بندی به نسبت تازه‌تری ارائه می‌دهد^{۳۸} و گاه مثالهایی از داستانهای منتخبش می‌آورد اما این دسته‌بندیها در حدی نو و بدیع نیستند که بتوان گفت بخش مطول تحلیل داستانهای برگزیده فقط برای اثبات دیدگاههای نظری نویسنده کتاب ارائه شده‌اند. زیرا همان مثالهای کوتاه ذیل طبقه‌بندی برای این کار کافی بود. او نظریه‌ای را از نظریه-پردازان غربی وام گرفته و با تغییراتی اندک آن را بر پیکره‌ای بسیار کوچک نمایش داده

است. در بهترین حالت، صادقی شارحی است که دیدگاههای غربی را درباره گفتمان سکوت با چند مثال فارسی توضیح می‌دهد که البته در جایگاه خود ارزشمند و شایسته توجه است. اما با توجه به مشکلات ارجاعی و منبع‌شناختی فراوان کتاب که بدانها اشارتی کوتاه رفت، همان طور که پیشتر گفته‌ایم ترجمه این مقالات برای پژوهشگران ایرانی مفیدتر خواهد بود. تازگی، سادگی، ایجاز و مثالهای روشن مقالات غربی مؤید این مطلب است.

شاید اگر بر خلاف آنچه گفته شد او از بررسی نمونه‌های جزئی به داده‌های نظری تازه‌ای می‌رسید امکان داشت کتاب او را سودمندتر از آنچه هست، فرض کرد. همچنین اگر مؤلف روش خود را در پیکره‌ای بسیار وسیع‌تر و البته به شکل منظم‌تر و معقول‌تری به کار می‌گرفت و مجموع داده‌ها و بسامد آنها را در کنار یکدیگر با ابزارهای آماری سبک‌شناسانه امروزی می‌سنجید شاید نتیجه بهتری حاصل می‌شد. اما نویسنده بدون هیچ دلیل منطقی، آمارگیری و مباحث بسامدی را به پژوهش دیگری احاله کرده است:

«ناگفته نماند که بررسی این پژوهش به صورت کیفی بوده است و قصد نگارنده ارائه ابزاری تحلیلی برای داستان است. در نتیجه، آمارگیری و اندازه‌گیری بسامد به-کارگیری هر کدام از انواع سکوت در داستان می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد.» (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۴۷)

ظاهراً صادقی بر این گمان بوده که نظریه تازه‌ای ارائه کرده و همین برای چاپ کتاب کافی است در حالی که به عقیده نگارنده این مقاله، او صرفاً واسطه‌ای است که افزون بر توضیح و تلخیص دیدگاههای دیگران، تغییرات و اصلاحاتی اندک نیز انجام داده است. بنابراین تنها تحلیل کمی و کیفی داده‌هایی منسجم و منظم می‌توانست کیفیت کتاب را ارتقا دهد اما نویسنده کتاب به خیال طرح نظریه تازه از ارائه آن کوتاهی کرده است. در واقع، انتقاد اساسی به نحوه ورود صادقی به حوزه ادبیات داستانی است؛ او با وجود استفاده از رویکرد نظری پژوهشگران مطرح غربی، مطلب تازه‌ای درباره داستان فارسی عرضه نکرده است.

جنبه تحلیلی و مقایسه‌ای اثر بسیار ضعیف و مختصر است و نتیجه‌گیری پایانی بسیار کوتاه (۳۴۳-۳۴۷) که نشان می‌دهد نویسنده کاری عمیق و تحلیلی ارائه نداده است. تنها گاهی در لابه‌لای متن بدون استفاده از روشهای جدی آماری، استنباطهای نامستدلی عرضه می‌شوند. برای نمونه:

«کاربرد برخی از نقشهای ذکر شده دارای بسامد بیشتری در ادبیات داستانی ایران است مانند نقش فرازبانی، نقش شعری و نقش همدلی. اما کاربرد نقش ارجاعی سکوت در متن داستانی ایران نمونه‌های کمتری دارد.» (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۰۲)

به گمان نگارنده، صادقی می‌توانست با استفاده از برخی سرنخهای نظریه‌پردازان غربی، ابزارهای تحلیلی تازه‌ای بسازد که در بررسی داستان کوتاه فارسی سودمندتر باشد. برای مثال اندک نکته‌های پراکنده‌ای درباره‌ی کارهای روایت‌شناسانی چون وین سی. بوت و شلومیت ریمون‌کنان در کتاب کورزون (1997) دیده می‌شود که مورد بی-مهری صادقی قرار گرفته است. شاید طرح دیدگاه‌های آنان و ترکیبشان در مباحث نظری سکوت، راهها و رویکردهای تازه‌ای را برای صادقی می‌گشود به ویژه در بخشهای مرتبط با ادبیات داستانی نظیر فصل پنجم که می‌توانست راهگشای پیکربندیهای او در فصل ششم و تحلیل‌هایش در فصل بسیار مختصر هفتم (نتیجه‌گیری) باشد. تلفیق دیدگاه‌های وین بوت (نویسنده‌ی ضمنی)، ژرار ژنت (کانونی‌سازی) و جیمز فیلان (انواع مخاطب) با رویکردهای متنوع مطالعات گفتمان سکوت، نتایج جالبی دربرخواهد داشت.

۲-۴-۲. شواهد نادرست و نارسا

برخی از مثالهای نویسنده نادرست یا دست کم نارسا و نیازمند توضیح بیشتر به نظر می‌رسند به ویژه در فصل چهارم که تا حدودی مطالب از آن خود نویسنده است. برای نمونه تنها چند مورد ساده در زیر بیان می‌شود:

۲-۸-۱-۲- نقش عاطفی سکوت (صادقی (۱۳۹۲)، ۸۷-۹۱): بند اول صفحه ۸۷ توضیحی کلی از زبان یاکوبسن و کینان درباره‌ی نقش عاطفی به شکل عام می‌دهد. در بند دوم که بهترین بند ۲-۸-۱-۲ است گفتار افراط نقل می‌شود و صادقی مثال او را اندکی تشریح می‌کند. از اواخر بند آخر^{۳۹} تا پایان صفحه بعد (۸۸) درباره‌ی تغییر راوی در شازده احتجاب سخن رفته است که هیچ ربطی به مبحث سکوت ندارد. در نیمه بالایی صفحه ۸۹ نیز نمونه‌ای دیگر از استنباطهای غریب نویسنده آمده است که بی‌دلیل بسط می‌یابد:

«علت انتخاب من‌های متفاوت برای روایت داستان، نشان دادن عقیم بودن شازده است» (همان، ۸۹)

بند دوم همین صفحه نیز بدیهیاتی را عرضه می‌کند که شاید برای خواننده متوسط مفید باشد. سپس مثالی از داستان «خانه روشن» گلشیری می‌آورد که تا بند اول صفحه ۹۰ ادامه دارد و درباره آن می‌گوید:

«منظور از اینکه بهرام هیچ چیزی ندارد، مگر چیزهایی که نوشته است، این نیست که واقعاً همه دارایی‌اش همینها باشد...» (همان، ۹۰)

در ادامه همان طور که پیشتر گفتیم مثالی که از بند دوم صفحه ۹۰ تا سطر دوم صفحه ۹۱ ادامه می‌یابد، عیناً برای ۲-۸-۱-۴- نقش همدلی سکوت (۹۶-۹۷) هم به کار رفته است. بدین ترتیب خواننده متوجه تفاوت نقشهای همدلی و عاطفی برای نویسنده نمی‌شود. مثال آخر این بخش نیز چندان حرف تازه‌ای ارائه نمی‌دهد و چه بسا که با علم معانی سنتی - که نویسنده هیچ اشاره‌ای در این کتاب بدان ندارد - بهتر قابل طرح باشد: «به کار رفتن عبارت «ارحم الراحمین»، به معنای توسل به خدا و یا طلب رحم و بخشندگی از خداوند نیست، بلکه نشانگر ترس شخصیت داستان از دیدن غریبه‌هاست...» (۹۱).

۴-۴-۱-۱-۱- سکوت پیش‌انگاشتی وجودی:

«در مثالی از داستان «خواب خون» اتاق محقر به کار رفته است و این پیش‌انگاشت را ایجاد می‌کند که اتاق راوی کوچک و دانشجویی است. اما غذاهای گرم و سرد دیگر سکوت به شمار نمی‌روند، چرا که اتاق راوی در شکل‌گیری روند داستانی و فرجام داستان دارای اهمیت است، اما غذاهای گرم این گونه نیست.

۱۱. «من همیشه شام و ناهارم را در اتاق محقر و دانشجویی‌ام می‌خورم و هر چند رستورانهای ارزان قیمت روبه‌روی دانشگاه غذاهای گرم و سرد مناسب دارد.» (صادقی، ۱۳۸۰: ۳۷۶) (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۴۶-۱۴۷).

دریافت سکوت در این مثال ممتنع یا دست کم دشوار است. افزون بر این، به طور کلی مرز میان سکوت پیش‌انگاشتی وجودی و سکوت کاربردشناختی دلالت ضمنی (تضمن) روشن نیست.

۴-۴-۱-۱-۷- سکوت پیش‌انگاشتی کمیت‌نمایی:

«به پیش‌انگاشتی گفته می‌شود که کمیت‌نماها در آن باعث تغییر تفسیر خطی پاره-گفتار بشوند کمیت‌نماها در آن باعث تغییر تفسیر خطی پاره‌گفتار بشوند...»

۱۷. «اما راستش فکر می‌کنم آدم دمدمی مزاجی باشم. یعنی گاهی شادم، با همه شوخی می‌کنم، عرق‌خوری می‌کنم، می‌روم و می‌آیم، اما یکدفعه - نه که به یاد او

بیفتم^۱ - یک گوشه‌ای می‌نشینم، یا می‌آیم خانه، توی اتاقم، چفت در اتاقم را هم می‌بندم و» (گلشیری، ۱۳۸۰: ۲۵۵) «(صادقی (۱۳۹۲)، ۱۴۹)
در عبارت برجسته بالا این نوع سکوت دیده نمی‌شود و بیشتر با سکوت پیش-انگاشتی قیدی مطابقت دارد.

۴-۱-۲- سکوت تضمینی یا دلالت ضمنی غیر قراردادی (همان، ۱۶۰-۱۶۱):
صادقی دو مثال فارسی از صادقی و گلشیری و یک مثال خارجی ساختگی از لوینسون آورده است. آشکارا نمونه خارجی بحث مورد نظر را بسیار بهتر اثبات می‌کند.

۳. نتیجه‌گیری

اگرچه کتاب تألیفی کارکرد گفتمانی سکوت در ادبیات معاصر فارسی بابی تازه را در شاخه‌ای کمتر شناخته شده در ایران می‌گشاید که می‌تواند فواید فراوانی برای پژوهشگران حوزه‌های مرتبط با ادبیات، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و ... داشته باشد اما باید آن را بیشتر نوعی ترجمه و تألیف دانست که در حیطه کاربرد در ادبیات داستانی معاصر ضعفهای فراوانی دارد. از یک سو، ترجمه به جای تألیف، منبع-سازی، کمتر تازه بودن دیدگاههای شخصی نویسنده به نسبت رویکردهای ترجمه‌شده و بی‌توجهی به پیشینه مطالعه سکوت در ایران از کیفیت بخش نظری کتاب می‌کاهد و از سوی دیگر، مشکلات روش‌شناختی و استفاده از شواهد و مثالهای نادرست و نارسا در کنار انتخاب غیر منطقی و اتفاقی پیکره تحلیلی مهمترین دلایلی هستند که فواید کتاب را برای تحلیل داستان امروز زیر سؤال می‌برند.

پی‌نوشت

۱ البته املائی سوئیل / ساویل درست‌تر است.
۲ ظاهراً این جمله مأخوذ از مقاله خود صادقی در روزنامه حیات نو است که در آنجا نیز با همین اشتباه چاپ شده است.
۳ و نیز صفحاتی محدود از مقاله‌ای که بدان دسترسی نداشته‌ایم:

Kurzon, D. (2007), "Peters edition v. Batt: the intertextuality of silence",
International Journal for the Semiotics of Law, Springer, 20: 37-40.

۴ البته بندهایی از آثار یول و براون، دریدا، توماس هاکین، فرزانه سجودی، دבורا تانن، گرایس، یوناس فیستر، رادن، فردیناند دو سوسور در آن تزییق شده که در جهت تأیید و تشریح دیدگاه کورزون است.

- ۵ مرجعی که صادقی ادعا می‌کند مطالب را از آن گرفته است.
- ۶ منبعی که واقعاً صادقی مرجع را از آن به عاریت گرفته است.
- 7 Edgar, A. (1998), "Music and Silence", *Interdisciplinary Perspectives*, ed. A. Jaworski, Berlin: Mouton de Gruyter, p. 312.
- 8 Barnes, J (1984), *Flaubert's Parrot*, London: Jonathan Cape.
- 9 Schwalm, H (1998), "The Silence of Many Words: Metafictional Interior Monologues in the Postmodernist British Novels of Julian Barnes and Kazuo Ishiguro", *Anatomies of Silence: Selected Papers Second HASE International Conference on Autonomy of Logos: Anatomies of Silence*, eds. Ann R. Cacoullous and Maria Sifianou, Athens: University of Athens.
10. Berger, Charles R. (2004) "Speechlessness: causal attributions, emotional features and social on sequences", *Journal of Language and Social Psychology* 23 (2), p. 173.
- ۱۱ صادقی در منابع هم آلمانی و هم انگلیسی اثر را آورده است:
- Buhler, Karl (1934), *Sprachtheorie: die Darstellungsfunktion der Sprache*, Jena: Gustav Fischer Verlag.
- (1990), *Theory of Language: The Representational Function of Language*, trans. Donald Fraser Goodwin, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- 12 Tiersma, Peter (1995), "The language of silence", *Rutgers Law Review* 48 (1), p. 45.
- 13 Poyatos, Ferdinand (2002) *Nonverbal Communication across Disciplines*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins, p. 299.
- 14 Pinker, Steven (1994) *The Language Instinct*, New York: William Morrow, pp. 158-191.
- 15 Dauenhauer, Bernard P. (1980), *Silence—The Phenomenon and its Ontological Significance*, Bloomington: Indiana University Press.
- ۱۶ صادقی در مطلبی که بعینه از کتاب کورزون بدون ارجاع برداشته، مرتکب اشتباه هم شده و به فارسی و انگلیسی (در پاورقی) به جای هوسرل، هوسن نوشته است. به همین دلیل در نمایه پایانی کتاب (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۷۵)، نام ناموجود هوسن نیز نمایه شده است.
- 17 Rotman, B. (1987), *Signifying Nothing: The Semiotics of Zero*, New York: Martin's Press.

18 Sacks, Harvey, Emanuel A. Schegloff and Gail Jefferson (1974), "A simplest systematics for the organization of turn-taking for conversation", *Language* 50, p. 700.

19 Samarin, William J. (1965), "Language of Silence", *Practical Anthropology* 12, p. 115.

۲۰ در هر دو موردی که به این منبع ارجاع شده، شماره صفحات غلط است و باید به جای ۳۹، ۲۰۷ بیاید.

۲۱ توماس سبویاک (Thomas Sebeok) و ولوجیمیش سبکویاک (Włodzimierz Sobkowiak) دو فرد متفاوت هستند که نویسنده آنها را یکی (سبویاک) فرض کرده است. در حالی که با توجه به مطلب و سال کتاب، آنچه در صفحه ۲۳ آمده سبویاک و آنچه در صفحه ۹۹ آمده سبکویاک است. حتی نویسنده در صفحه ۲۳ نام سبویاک را به اشتباه به صورت Włodzimierz Sobkowiak در پاورقی آورده است. از این دو نام تنها یکی (سبویاک) در بخش نمایه و دیگری (سبکویاک) صرفاً در بخش منابع درج شده است. همچون سایر موارد فهرست بالا، افزون بر اینکه صادقی تنها یک بار به کتاب سبکویاک ارجاع داده، با مقایسه متن اصلی و مطلب ارجاعی افراط به راحتی می‌توان فهمید که صادقی قطعاً اصل مقاله را ندیده است.

22 Searle, John (1975), "Indirect speech acts", *Syntax & Semantics (v.3: Speech Acts)*, eds. P. Cole and J. Morgan, New York: Academic Press, p. 60.

23 Schiffrin, Deborah (1987), *Discourse Markers*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 37 & 318.

24 Clifton, Thomas (1976), "The poetics of musical silence", *The Musical Quarterly* 6.

25 Cage, John (1961), *Silence*, Cambridge, MA: MIT Press, pp. 191 & 124.

۲۶ حتی مثال کیچ در این صفحه به کلی ناقص درج شده و بخشهای مفیدی از آن حذف شده است.

27 Gurevich, Z. (1989), "Discourse and Conversation", *Symbolic Interaction* 12.

28 Givon, T. (1979), *On Understanding Grammar*, New York: Academic Press, p. 50.

۲۹ این کتاب در بخش منابع انگلیسی صادقی دو بار در ذیل عنوان هر دو نویسنده آمده است؛ یک بار ذیل نام یول (صادقی (۱۳۹۲)، ۳۵۸) و بار دیگر زیر نام براون و یول (همان، ۳۵۳).

30 Verschueren, J. (1985), *What People Say They Do with Words*, Norwood: Ablex.

31 Van Dijk, T (1986), "News Schemata", *Studying Writing: Linguistic Approaches*, eds. C. Cooper & S. Greenbaum, Sage: Beverly Hills, p. 178.

³² Weisman, A. D. (1955), "Silence and psychotherapy", *Psychiatry Journal for the Study of Interpersonal Processes* 18, p. 258.

³³ Hemingway, E. (1996), *Death in the Afternoon*, New York: Scribner.

۳۴ صادقی دقیقاً مثل کورزون (7, 1998)) درباره اثر دینگیار نوشته: «در مقاله چاپ نشده خود» (صادقی (۱۳۹۲)، ۱۱۱)

۳۵ البته بر دانش و فضل تقدم براهنی در رویکرد انتقادی به ادبیات انکاری نیست.

۳۶ جدا از اینکه منبع فوق پایان نامه کارشناسی ارشد است، از نویسنده آن نیز هیچ اثر دیگری به چاپ نرسیده است.

۳۷ این کتاب مجموعه مصاحبه‌هایی است با بزرگان ادبیات معاصر که ارتباط چندانی با گفتمان سکوت ندارد اما در لابه‌لای گفتگوها گاهی از جنبه‌های سیاسی اجتماعی سکوت یاد می‌شود.

۳۸ بخشهایی از این مطالب هم پیشتر توسط خود او در مقاله‌ای منتشر شده است (نک: صادقی (۱۳۸۷)).

۳۹ در این بند اشاره‌ای نارسا به «نقش عاطفی سکوت» می‌شود که چندان معنادار نیست.

۴۰ این گونه نوشتن نیز از جمله نوگرایها و تفننهایی است که در سراسر متن به چشم می‌خورد.

۴۱ برجستگی و رسم‌الخط از صادقی است.

منابع

تندرو صالح، شاهرخ (۱۳۷۹)، *گفتمان سکوت*، تهران: انتشارات شفیعی.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۰)، *زیانشناسی نظری (پیدا/یش و تکوین دستور زایشی)*، تهران: انتشارات سمت.

صادقی، لیلا (۱۳۸۷)، «گفتمان دلالی سکوت از دیدگاه زیانشناسی»، *مجله پژوهش علوم انسانی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، سال نهم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان.

صادقی، لیلا (۱۳۹۲)، *کارکرد گفتمان سکوت در ادبیات معاصر فارسی*، تهران: نشر نقش جهان.

صادقی، لیلا (ب ۱۳۸۹)، «کارکرد گفتمانی سکوت در ساخت‌مندی روایت داستان کوتاه»، *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره ۱، شماره ۱، تیر و مرداد.

صادقی، لیلا (ب ۱۳۸۹)، «نقش‌های سکوت ارتباطی در خوانش متون ادبیات داستانی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۹، زمستان.

صادقی، لیلا، «زندگی‌نامه»، سایت شخصی:

<http://www.leilasadeghi.com/leila-sadeghis-work/about-leila.html>

- Brown, Gillian and George Yule (1983), *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Efratt, Michal (2008), "The Functions of Silence", *Journal of Pragmatics* 40.
- Glenn, Kathleen M. (2004), Discourse of Silence in Alcanfor and "Te deix, amor, la mar com a penyora": www.ies.berkeley.edu/pubs/workingpapers/OP-6-Discourse_of_Silence.pdf
- Huckin, Thomas (2002), "Textual silence and the discourse of homelessness", *Discourse and Society* 13 (3).
- Krieger, Stefan H. (2001), "A Time to Keep Silent and a Time to Speak: The Functions of Silence in the Lawyering Process", V. 80, Oregon Law Review: http://scholarlycommons.law.hofstra.edu/faculty_scholarship/253
- Kurzon, Dennis (1998), *Discourse of Silence*, Amsterdam: John Benjamin.
- Kurzon, Dennis (2007), "Toward a Typology of Silence", *Journal of Pragmatics* 39.
- Lakoff, George (1970), Linguistics and Natural Logic, *Synthese* 22.
- Sobkowiak, Wlodzimierz (1997), "Silence and markedness theory", *Silence: Interdisciplinary Perspectives*, ed. A. Jaworski, Berlin and New York: Mouton de Gruyter.